

غزل شماره ۳۲۹

جوزا سحر نهاد حایل برابرم

یعنی غلامِ شایم و سوکندمی خورم

ساقی یاکه از مددِ بختِ کارساز

کامی که خواستم ز خدا شد میسرَم

جامی بده که باز به شادی روی شاه

پیرانه سرا، هوای جوانیست در سرم



راہم مزن بہ وصفِ زلالِ خضر کہ من  
از جامِ شاہِ جرعه کَشِ حوضِ کوثرم

شاہا اگر بہ عرشِ رسانم سریرِ فضل  
ملوکِ این جنابم و مسکینِ این درم

من جرعه نوشِ بزمِ تو بودم ہزار سال  
کی ترکِ آنخورد کند طبعِ خوگرم

ور باوَرَت نمی کند از بندہ این حدیث  
از گفتہ کمال، دلیلی یاورم



کر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر  
آن مهربر که افکنم؟ آن دل کجا برم؟

منصور بن مظفر غازیست حرز من  
و از این خجسته نام، بر اعدا مظفرم

عهد آست من همه با عشق شاه بود  
وز شاهراه عمر، بدین عهد بگذرم

کردون چو کرد نظم شریابه نام شاه  
من نظم در چرا نکنم؟ از که کمترم؟



شاهین صفت چو طعمه چشیدم ز دست شاه  
کی باشد التقات به صید کبوترم

ای شاه شیرگیر چه کم کردد ار شود  
در سایه تو ملک فراغت میسر م

شعرم به یمن مدح تو صد ملک دل کشاد  
کوی که تیغ توست زبان سخنورم

بر گلشنی اگر بگذشتم چو باد صبح  
نی عشق سرو بود و نه شوق صنوبرم



بوی تو می شنیدم و بر یادِ رویِ تو

دادند ساقیانِ طرب یک دو ساغر م

ستی به آبِ یک دو غنَب وضع بنده نیست

من ساخورده پیر خرابات پرورم

با سیرِ احترِ فلکم داوری بسیت

انصافِ شاه باد در این قصه یاورم

شکرِ خدا که باز در این اوج بارگاه

طاووسِ عرش می شود صیتِ شپهرم



نامم ز کارخانه عشاق محو باد

گر جز محبت تو بود شغلِ دیگرم

شبلُ الاسد به صیدِ دلم حمله کرد و من

گر لاغرم و گرنه شکارِ غضنفرم

ای عاشقانِ رویِ تو از دژه بیشتر

من کی رسم به وصلِ تو کز دژه کمتر

بنا به من که مگر حُسنِ رخِ تو کیست

تا دیده اش به گزلبکِ غیرت بر آورم



بر من قادیای خورشید سلطنت  
و اکنون فراغت است ز خورشید خاورم

مقصود از این معامله بازار تیزی است  
نی جلوه می فروشم و نی عشو می خرم

## تفسیر فال

بخت و اقبال با تو همراه است و روزگار، روی خوش را به تو نشان می‌دهد. در این دوران که فرصت‌ها و چالش‌های متعددی پیش روی ما قرار دارد، شایسته است که خداوند را سپاسگزار باشی تا نعمت‌هایش را از تو دریغ نکند. او خالق بی‌نظیر جهان است و هر روز به ما لطف می‌کند. به همین دلیل لازم است که در برابر این لطف‌ها قدرشناس باشیم و از آنها بهره‌برداری کنیم. همچنین به عهد و پیمان خود پایبند و وفادار بمان تا حق دوستی را به



جای آورده باشی. وفاداری نه تنها نشانه‌ای از صداقت بلکه تجلی عمیق‌ترین ارزش‌های انسانی است که روابط ما را مستحکم‌تر می‌کند و موجب ایجاد پیوندهای عمیق‌تری در زندگی‌مان خواهد شد. با رعایت این اصول، می‌توانی زندگی سرشار از آرامش و موفقیت بسازی.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)